

به نام خدا

داستانهای شاهنامه

رستم و سهراب

به نقل از شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی

بازنویس: عبدالعلی غفوری

داستان‌های شاهنامه

داستان رستم و سهراب

بازنویس: عبدالعلی غفوری

ناشر	انتشارات انتظار سبز
طرح (وی جلد)	فرهنگسرای المهدی (عج)
شمارگان	۵۰۰۰
نوبت چاپ	اول - ۱۳۸۳
لیتوگرافی	طلوع
قیمت	۶۰۰ تومان
شابک	۹۶۴-۸۲۶۰-۴۱-۹

مرکز پخش:

اصفهان - خیابان مسجدسید

جنب بانک رفاه - پاساژ زاهدی - فرهنگسرای المهدی (عج)

تلفن و دورنگار: ۰۳۱۱-۳۲۶۱۵۷۷

همراه: ۰۹۱۳۳۱۰۱۲۶۹ - ۰۹۱۳۳۱۶۰۳۹۵

حق چاپ برای فرهنگسرای المهدی (عج) محفوظ می‌باشد

سلسله کتابهایی که با عنوان داستانهای شاهنامه از سوی فرهنگسرای المهدی (عج) به چاپ رسیده در بردارنده‌ی زیباترین داستانهایست که بیش از هزار سال پیش به زبان سخن‌گوی ایران زمین، فردوسی خردمند جاری شده است.

در بازنویسی این داستانها نویسنده کوشیده است که با آوردن نثری ساده و دل‌نشین و گاه آهنگین آن‌گونه که اصالت زبانی پیرتوس از دست نرود به بیان آنها پردازد و با آوردن زیرنویس‌ها و توضیح واژه‌های دشوار و معانی همه اشعار مشکلی برای خواننده باقی نگذارد.

بدین امید که این کوشش ناچیز در شناخت فرهنگ درخشان و پربار این مرز و بوم کهن سودمند آید.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
راز مرگ	۵
آغاز داستان:	۶
ورود رستم به شهر سمنگان	۷
تولد سهراب	۱۱
آغاز جنگ	۱۳
نبرد سهراب با دختر ایرانی	۱۵
نامه گزدهم به کاووس	۲۱
رفتن گیو به زابل و آوردن رستم	۲۳
در جست وجوی پدر	۳۵
نبرد پدر و پسر	۴۱
جنگ دوم	۴۹
پایان ماجرا	۵۷
معانی اشعار داستان رستم و سهراب	۶۲

پیشگفتار:

راز مرگ

از این راز جان تو آگاه نیست بدین پرده اندر تو راه نیست ۱
شاهنامه‌ی فردوسی

داستان رستم و سهراب با گفتاری درباره مرگ و نیستی آغاز می‌گردد و ذهن
نیم خفته‌ی ما را با بیان واقعیت‌هایی از آن بیدار می‌کند:

دم مرگ چون آتش هولناک ندارد زیرنا و فرتوت باک ۲
در سرتاسر این داستان همه جا سخن از مرگ است و یا وقایعی که به مرگ
می‌انجامد و یا می‌تواند مرگ‌آفرین باشد.

سخن با مرگ آغاز می‌گردد و به فرجام نیز این قصه تکرار می‌شود.

یکی زود سازد، یکی دیرتر سرانجام بر مرگ باشد گذر ۳

تندیس مرگ جان می‌گیرد و با دست خود ما را به غمکده نوحاسته تورانی
می‌برد و به سوگی جاودانه می‌نشاند. حاصل سخن پیر خردمند توس بیان
قصه سرنوشتی است که یک دم ما را رها نمی‌سازد و لحظه‌ای از کار خود باز
نمی‌ماند.

چنین است و رازش نباید پدید نیابی، به خیره چه جویی کلید؟ ۴